

# شناسایی و ارزیابی علت‌های بروز خودزنی در میان کارکنان وظیفه ناجا در پرتوی نظریه‌های جرم شناختی

میشم عظیمی<sup>۱</sup>، محمد نادری<sup>۲</sup>

از صفحه ۱۳ تا ۴۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۹، تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۲۸

## چکیده

این پژوهش در راستای تبیین و واکاوی علت‌های رخداد پدیده خودزنی در میان کارکنان وظیفه ناجا بر اساس نظریه‌های جرم شناختی صورت گرفت؛ از این رو سعی شده است با بهره‌گیری از نظریه علت شناسی جنایی و نظریه پویایی جنایی به تبیین علت‌های مؤثر در وقوع این پدیده پرداخته شود. پژوهش از نظر هدف، کاربردی، و از نظر نوع گردآوری داده‌ها توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق شامل کارشناسان و نخبگان ناجا در موضوع تحقیق است که حجم نمونه مورد نیاز بر اساس فرمول کوکران ۲۱۴ نفر بود که بصورت تصادفی انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) بود که در سه محور درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مؤثر بر خودکشی و محور سوم در خصوص عوامل مؤثر بر خود زنی می‌باشد. نتایج پژوهش نشان داد که بر اساس نظریات جرم شناختی، عواملی همچون ارتباطات میان فردی، ویژگی‌های فردی عرضی و ویژگی‌های فردی ذاتی در بروز پدیده خودزنی نقش دارد. برخی از این عوامل ناظر به درون‌سازمانی و برخی مربوط به شرایط برون‌سازمانی است. بر اساس نتایج پژوهش هر چند ویژگی‌های فردی ذاتی به عنوان عامل برون‌سازمانی در زمینه‌سازی رخداد خودزنی مؤثر، عامل ارتباطات میان فردی و ویژگی‌های فردی عرضی به عنوان عوامل درون‌سازمانی آسان‌کننده و تحریک‌کننده تأثیرگذاری بیشتری بر بروز خودزنی نشان می‌دهد. بر همین اساس اولویت بخشی به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه وضعی به عنوان تدابیر مؤثر در کنترل علت‌های آسان‌کننده اثر مستقیم و زودبازدهی در کنترل و کاهش پدیده خودزنی در میان سربازان وظیفه خواهد داشت.

## واژگان کلیدی

خودزنی، علت شناسی جنایی خودزنی، نظریه پویایی جنایی، پیشگیری اجتماعی خودزنی، پیشگیری وضعی خودزنی

## ۱. مقدمه

بر اساس گزارش‌های رسمی سازمان بهداشت جهانی هر ساله حدود ۵۰۰ هزار نفر در جهان از طریق خودکشی به زندگی خود پایان می‌دهند و این در حالی است که برآورد واقعی خودکشی ۱/۲ میلیون نفر در سال است. تبعات و پیامدهای منفی این امر در بعد اجتماعی، فرهنگی و همچنین اقتصادی یکی از موانع مهم بر سر راه توسعه و پیشرفت و تعالی جامعه محسوب می‌گردد. به همین جهت شناخت هر چه بیشتر عوامل مؤثر بر وقوع این پدیده ضرورتی مهم و حیاتی می‌باشد.

در همین راستا در نظر گرفتن برخی آمارها در مورد مسئله خود زنی و خودکشی در میان کارکنان وظیفه، به عنوان یکی از مهمترین گروه‌های اجتماعی که در معرض چنین آسیب‌هایی قرار دارند ضرورت بررسی و تحلیل جرم شناختی این پدیده را در میان کارکنان وظیفه با هدف شناسایی عوامل تأثیر گذار بر این پدیده نمایان می‌سازد. بدیهی است این شناخت می‌تواند در زمینه پیشگیری، اصلاح و درمان افراد مستعد برای ارتکاب خودکشی یا خودزنی مؤثر و اساسی باشد.

براساس یافته‌های دانش جرم شناسی در کنار توسل به اقدامات کیفری به عنوان آخرین راهکار، توجه به موضوع پیشگیری از وقوع انحرافات و ناهنجاری‌ها تأثیر به سزایی در کاهش و کنترل آسیب‌های اجتماعی دارد. از اینرو اهتمام به پیشگیری از وقوع ناهنجاری‌ها و کجروی‌ها به عنوان مهمترین راهبرد سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان کلان اجتماعی بکار گرفته می‌شود. راهبرد پیشگیری از وقوع انحرافات از دو ساز و کار عمده برخوردار می‌باشد. یکی ساز و کار پیشگیری اجتماعی و دیگری ساز و کار پیشگیری وضعی. این دو ساز و کار هر یک در واقع بیانگر بخشی از جریان تحقق بزه یا انحراف می‌باشد. به عبارت دیگر وقوع ناهنجاری را می‌توان به دو مقطع تقسیم نمود که هر یک از انواع پیشگیری ناظر به یک مرحله خاص می‌باشد.

## ۲. بیان مسئله

حق حیات یکی از حقوق الهی و طبیعی بشر به شمار می‌رود؛ به همین دلیل حفاظت و اهتمام نسبت به رعایت این حق الهی تکلیف افراد و جامعه است. جوامع امروزی با

آسیبها و چالشهای متعددی در زمینه این موضوع رو به رو هستند؛ از جمله این انحرافات و آسیبهای اجتماعی مهم می‌توان به پدیده خود زنی اشاره کرد. این آسیبها ممکن است در میان همه گروه‌های اجتماعی رخ دهد.

اگرچه آمار جهانی ارتکاب خودزنی به اقتضای صنعتی شدن جوامع امروزی رو به افزایش است، تأکید فوق العاده آموزه‌های دینی بر ممنوع بودن و حرمت اقدام به خودزنی و در حالت شدیدتر نسبت به خودکشی تا حد زیادی زمینه‌های ارتکاب این پدیده نابهنجار را در کشور ما کاهش داده است.

زمانی که سخن از خودزنی به میان می‌آید، خود را در برابر مسئله‌ای پیچیده و مرتبط با علوم مختلفی از جمله پزشکی، روانشناسی و جامعه‌شناسی می‌یابیم. از اینرو سبب‌شناسی و علت‌شناسی این پدیده نیز سخت و دشوار خواهد بود. امروزه سیاستگذاران کشورها با بهره‌گیری از دانش جرم‌شناسی برای دست یافتن به راهکارهای کاهش و کنترل آسیبها و انحرافات اجتماعی برآمده‌اند.

در حال حاضر عمده نظریات جرم‌شناختی را می‌توان در دو دیدگاه مهم تبیین کرد. نظریات علت‌شناسی جنایی که علل جامعه‌شناختی و روانشناختی و همچنین علت‌زیست‌شناختی در ارتکاب انحراف و بزه را مورد توجه قرار می‌دهد. نظریات جرم‌شناسی پویایی جنایی که ناظر بر عوامل به فعلیت رسیدن اندیشه منحرفانه و بزهکارانه است (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ص ۵۱). در این پژوهش سعی می‌شود در پرتوی این دو نظریه به واکاوی عوامل مؤثر بر خودزنی پرداخته شود.

کارکنان وظیفه در میان گروه‌های مختلف جامعه به مقتضای وضع خاصی که در طول دوره خدمت با آن روبه‌رو هستند از جمله ارتباطات کلامی و غیر کلامی با مافوق و دوستان در محیط خدمت یا علتها و عوامل سازمانی و همچنین عوامل شخصیتی همواره در معرض ارتکاب این رفتارها قرار دارند.

علاوه بر برخی علت‌های شایع همچون عوامل اقتصادی یا خانوادگی، که در نظریه علت‌شناسی جنایی بر آنها تأکید می‌شود، یکی از محورهایی که در علت‌شناسی خود زنی در میان کارکنان وظیفه کمتر مورد توجه قرار گرفته است توجه به این است که ارتباطات میان فردی در محیط خدمتی اعم از ارتباطات کلامی و غیر کلامی، که فرد با مافوق خود یا با

دوستان و اطرافیان‌ش دارد تا چه حدی در به فعلیت رسیدن و عملی نمودن تصمیم به خود زنی می‌تواند مؤثر واقع شود. از اینرو در این پژوهش ضمن بررسی علت‌های مختلف وقوع این پدیده به بررسی این عامل بر اساس مطالعات جرم شناختی پرداخته می‌شود.

### ۳. اهداف پژوهش

#### الف. هدف اصلی

- علت‌یابی و واکاوی عوامل مؤثر در بروز پدیده خودزنی کارکنان وظیفه

#### ب. اهداف فرعی

- واکاوی و ارزیابی عوامل برون سازمانی مؤثر در بروز پدیده خودزنی کارکنان وظیفه
- واکاوی و ارزیابی عوامل درون سازمانی مؤثر در بروز پدیده خودزنی کارکنان وظیفه
- نسبت سنجی و مقایسه تأثیر عوامل درون سازمانی و برون سازمانی با یکدیگر بر شیوع پدیده خودکشی و خودزنی کارکنان وظیفه

### ۴. سؤالات پژوهش

#### الف. سؤال اصلی

- مهمترین علت‌های مؤثر در ارتکاب به خودزنی در میان سربازان وظیفه چیست و میزان تأثیرگذاری آنها چگونه ارزیابی می‌شود؟

#### ب. سؤالات فرعی

- مهمترین علت‌های برون سازمانی مؤثر در بروز پدیده خودزنی کارکنان وظیفه چیست و میزان تأثیرگذاری آنها چگونه ارزیابی می‌شود؟
- مهمترین علت‌های درون سازمانی مؤثر در بروز پدیده خودزنی کارکنان وظیفه چیست و میزان تأثیرگذاری آنها چگونه ارزیابی می‌شود؟
- در نسبت سنجی میان عوامل شناسایی شده، تأثیرگذاری کدام یک از متغیرها بر بروز خودزنی کارکنان وظیفه بیشتر است؟

## ۵. مروری بر تعاریف و مبانی تحقیق

۵-۱. ماهیت تحلیلهای جرم شناختی؛ از علت شناسی جنایی تا پویایی عمل مجرمانه اقدام به خودزنی و یا به عبارت بهتر مبادرت به جنایت علیه نفس از جمله انحرافات و آسیبهای اجتماعی است که جامعه بشری را در مقاطع مختلف تاریخ تهدید می‌کند و سلامت و امنیت فردی و اجتماعی را، که زیربنای سعادت و کامیابی جامعه است، مخدوش می‌سازد.

این سؤال، که چرا فقط عده ای مرتکب رفتارهای انحرافی و جرم می‌شوند در حالی که بسیاری از افراد جامعه با وجود فشارهای زندگی یا عوامل مؤثر و مساعد به جرم و بزهکاری دست نمی‌زنند و آیا علت مشخصی برای این هست، سؤالی است که پژوهشگران علوم جنایی از جمله جرم شناسان، جامعه شناسان و روانشناسان همواره به دنبال پاسخ آن بوده‌اند.

هزاران سال است این پرسش در ذهن پژوهشگران حوزه علوم جنایی و حتی غیر آنها بوده و حتی در برخی ادیان کهن، انسان موجودی دوماهیتی و متشکل از دو عنصر سیاهی و سپیدی یا خوبی و بدی به نشانه از خدایان پاکی و پلشتی دانسته شده و کجرفتاری، نشانه غلبه پلیدی و سیاهی بر بعد خوبی و روشنی وجود انسان تعبیر و حمل شده است (نوربها، ۱۳۸۶، ص ۴۰).

بتدریج با ظهور فیلسوفان یونان باب نگاه علمی به علت‌های تکوین پدیده مجرمانه باز شد به طوری که گفته شده سقراط نخستین کسی بوده است که با دیدی علمی به پدیده بزهکاری نگاه کرد و آن را نتیجه جهل بزهکار دانست و از این رو او را شایسته آموزش معرفی کرد نه شکنجه. افلاطون نیز در کتاب جمهوریت هر پدیده اجتماعی را با وجود طبقات ناهمگون در جامعه مرتبط می‌دانست و ارتکاب جرم را از آن قاعده مستثنی نکرد و علاوه بر آن بر توزیع ناعادلانه ثروت به عنوان عامل جرم زای مهم دیگر تأکید کرد. ارسطو نیز با دیدگاهی دیگر مسائل و مشکلات جسمی و روحی را در انحرافات آدمی مؤثر می‌دانست؛ بدین سان، باب نظریه پردازی علمی درباره عوامل ارتکاب جرم باز شد و تا امروز ادامه دارد (فرامرزیان، ۱۳۸۲، ص ۴). البته باید توجه کرد که هر چه قدر میزان رفتارهای خلاف اخلاق و قانون افزایش یابد و شکلها و الگوهای ارتکاب بزه و ناهنجاری تغییرات

بیشتری یابد، این ضرورت و نیاز به منظور یافتن علتها و عوامل، زمینه‌ها، جاذبه‌ها و ابزار مؤثر پیشگیری و هم‌چنین اصلاح و درمان مرتکبان بیشتر خواهد بود.

این نکته در این میان قابل تأمل است که هدفها و روشهای جرم‌شناسی در هر دوره به طور معمول بازتاب وسیعی از افکار و علائق جرم‌شناسان و پدیده‌ای تأثیر پذیرفته از آن است به طوری که بررسی این نکته، که علت‌های جرم چگونه در حوزه جرم‌شناسی می‌باید تبیین شود در هر دوره تحت تأثیر افکار چهره‌هایی خاص از نظریه پردازان حوزه جامعه‌شناسی، روانشناسی و حتی پزشکی، و بدین ترتیب خود را در شاخه‌ها و نحله‌های مختلف جرم‌شناسی نمایان ساخته است. افزون بر این باید توجه کرد که چگونگی نگرش هر جرم‌شناس به پدیده مجرمانه و علت تکوین آن، چگونگی تعریف شدن حالت خطرناک در نگاه وی و چگونگی پرداختن به مطالعه بزهکاری، همگی پیامدهای مهمی را درباره تعیین محتوای پیشنهادی دارد که وی برای برخورد با پدیده مجرمانه به عنوان نظریه یا راهبرد ارائه می‌کند (وایت و هینز، ۱۳۸۵، ص ۶۹-۷۱).

انسان‌شناسی جنایی با توجه به هیأت و ساختمان خارجی و گاه درونی بشر، زیست‌شناسی با عنایت به مسئله عمیق وراثت و روانشناسی با دقت در رفتار انسانی و سرانجام جامعه‌شناسی با تعمق در روابط اجتماعی افراد، هر یک کوشش بر شناخت علت‌های پدیده مجرمانه و ایجاد بزهکاران داشته‌اند؛ بدین سان تبیین کامل پدیده انحرافی مستلزم این است که رفتار انسان به طور کلی و از جنبه‌های مختلف تاریخی، جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی، زیست‌شناختی و روانشناختی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

بنابراین دانش جرم‌شناسی به عنوان علم ترکیبی، وظیفه و رسالت خویش را تبیین علت‌های وقوع نابهنجاری و بزهکاری قرار داده و در مسیر تکامل خود از علوم مختلف بهره برده است. در اینجا باید یادآوری کرد که تحولات جرم‌شناسی بالینی همواره از دیگر علوم بویژه روانشناسی یاری گرفته است. در واقع مکاتب علت‌شناسی جنایی جدید که بین سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰ با اقبال زیادی رو به رو بود ضمن تأکید بر عامل روانشناختی به عنوان عامل دارای محرک و اینکه محرک‌های رفتاری را عامل روانی می‌نامیدند، هر یک روند ویژه‌ای را به عنوان محور مطالعاتی خود انتخاب، و بدین ترتیب فصل جدیدی در تحولات جرم‌شناسی ایجاد کردند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۴، ص ۲۱). به طوری که

علوم جرم شناختی نظیر روانشناسی جنایی یا زیست شناسی جنایی یا جامعه شناسی جنایی در این دوران شکل گرفت. بتدریج علاوه بر عوامل وراثت و ژنتیک مباحث مربوط به موقعیت فرد تا قبل از بزهکاری و شخصیت بزهکار در زمان ارتکاب جرم و چگونگی ترکیب این دو و پیدایش فعلیت یافتن اندیشه مجرمانه در شخصیت جنایی فرد نیز مطرح شد. محور اصلی این نظریات که از آنها به جرم شناسی پویایی جنایی یاد می‌شود و در دوره ۱۹۴۰ الی ۱۹۶۰ طرفداران بسیار زیادی داشت برونریزی یا به فعل درآوردن اندیشه مجرمانه است؛ بدین ترتیب هسته مرکزی علوم جنایی تجربی شامل جرم‌شناسی گذار از اندیشه به عمل مجرمانه بوده که اولین رویکرد جرم‌شناسی نسبت به جرم بوده است. جرم‌شناسی گذار از اندیشه به عمل مجرمانه ابتدا در قالب مطالعات زیست شناختی ظاهر شد که اوج آن در مکتب تحقیقی متبلور شده است و پس از آن از نظریات روانشناختی بهره‌مند گردید و امروزه نیز تمایلات نسبت به استفاده از اطلاعات علوم ژنتیکی پیدا کرده است. در این نوع جرم‌شناسی چگونگی به فعل در آوردن اندیشه مجرمانه به عنوان فرایند بررسی می‌شود. هر فرایندی یک نقطه آغاز، نقطه جریان و نقطه پایانی دارد؛ لذا وقتی گفته می‌شود جرم‌شناسی گذار از اندیشه به عمل مجرمانه، این گذار، پویایی را نشان می‌دهد؛ بدین ترتیب در دیدگاه جرم شناسیهای پویا با برش برداری مقطعی، می‌خواهند ببینند که چگونه اندیشه مجرمانه در برخی متوقف می‌شود و در برخی به صورت جرم به منصفه ظهور می‌رسد. در واقع در نظریه‌های پویایی جنایی بیشتر زمان حاضر یا گذشته خیلی نزدیک بزهکاران مورد توجه پژوهشگران قرار می‌گیرد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۴، ص ۳۲).

## ۲-۵. آموزه‌های دینی، ارزشگذاری و تکریم حیات

در تلقی قرآن و ادیان الهی، حیات والاترین موهبت الهی به انسان، و زندگی، اساسی‌ترین هدیه‌ای است که به انسانها داده شده است؛ از اینرو حیات انسانی دارای کرامت است و تعدی و تعرض و تجاوز به آن از سوی هر کس، ناروا و جنایتی بزرگ است. اقداماتی از قبیل سقط جنین یا قتل یا خودکشی و خودزنی تعرض به این حق بنیادی بشری به شمار می‌رود.

حق حیات از جمله حقوقی است که در طبیعت و فطرت آدمی ریشه دارد (مصباح یزدی، ج ۱، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵)؛ یعنی عقل انسان به طور مستقل و قطع نظر از منابع دیگری چون احکام و فرمان الهی بر آنها حکم می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۳۷). هرکس باید ایمان پیدا کند که حیات، ودیعه و امانت الهی، و نقطه عزیمت اعتلاء و کمال آدمی است. خیانت در این امانت از نظر عقل و دین و البته اخلاق، جنایتی غیرقابل بخشش است. آسیب به جسم، اهانت به خداوند متعال است و اسلام نیز به این دلیل، چنین اهانتی را نسبت به خالق تحمل نمی‌کند و آن را گناهی نابخشودنی اعلام کرده است (کی‌نیا، ۱۳۸۴، ص ۴۵۴). شریعت الهی، حقوق افراد را عطیه‌ای از جانب خداوند متعال درباره بندگان می‌شمارد و هرگونه تصرف و استفاده از این حقوق را، که منافی و مناقض شریعت و مقاصد شارع انجام گیرد، باطل به حساب می‌آورد؛ به همین دلیل دین اسلام آسیب رسانی به جسم را در شمار گناهان بزرگ قرار می‌دهد و مرتکب آن را مستوجب عقاب و کیفر اخروی می‌داند؛ زیرا حیات از جمله عطایایی است که خداوند در وجود افراد به ودیعه نهاده است و افراد بشر نمی‌توانند این حق را از خود سلب کنند (اردبیلی، ۱۳۷۹، ص ۷۲).

در ادامه سعی می‌شود به اختصار برخی آیات راجع به تکریم حیات و ارزش‌گذاری قرآن نسبت به این امر را مورد بررسی قرار دهیم:

- «کیف تکفرون بالله و کنتم أمواتاً فأحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون» (بقره، ۲۸) چگونه به خدا کفر می‌ورزید، در حالی که شما مرده بودید خدا شما را زنده کرد، پس از آن شما را خواهد میراند، و سپس شما را زنده می‌کند، و پس از آن به سوی او بر می‌گردید.
- برای اینکه این حق محفوظ بماند و مورد تجاوز دیگران قرار نگیرد، قرآن برای کسانی که حیات دیگران را تهدید کنند، مجازاتی سخت در نظر گرفته است: «ولاتقتلوا النفس التي حرّم الله إلاّ بالحقّ» (اسراء، ۳۳) نفسی را که خدا برای آن حرمت قرار داده است، جز به حق، به قتل نرسانید.
- «یا ایها الذین آمنوا لاتأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلاّ أن تکنون تجاراً عن تراض منکم و لاتقتلوا أنفسکم إنّ الله کان بکم رحیماً» (نساء، ۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید... و خودتان را نکشید، بی تردید خدا بر شما مهربان است.



### ۳-۵. حرمت انگاری جنایت علیه نفس از دیدگاه قرآن کریم

گویاترین و صریح‌ترین آیه‌ای که در زمینه ممنوعیت و حرمت خودکشی به عنوان بارزترین مصداق جنایت علیه نفس می‌تواند مورد استناد قرار گیرد، این آیه شریفه می‌باشد که خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نساء، ۲۹) یعنی: خودتان را نکشید، به درستی که خداوند نسبت به شما مهربان است.

در کتاب «المیزان فی تفسیر القرآن» در مورد این آیه چنین آمده است: «ظاهر این جمله نهی از این است که کسی خود را بکشد، لیکن وقتی در نظر بگیریم که در کنار جمله «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ» (که قسمت اول آیه فوق است) قرار گرفته که ظاهر آن این است که همه مؤمنان را یک واحد فرض کرده است که آن واحد دارای مالی می‌باشد که باید آن را از غیر طریق باطل بخورد، بنابراین چه بسا (از جمله «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ») این معنا استفاده شود و حتی دلالت کند بر اینکه مراد از کلمه «انفس» تمامی افراد جامعه دینی می‌باشد و مانند جمله قبل همه مؤمنان فرد واحدی شده‌اند به طوریکه جان هر فردی جان سایر افراد است. در نتیجه در صورت چنین اجتماعی، نفس و جان یک فرد، هم جان خود اوست و هم جان سایر افراد. پس چه خودش را بکشد و چه غیر را، خودش را کشته است و به این ترتیب جمله «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» جمله‌ای است مطلق که هم شامل انتحار می‌شود و هم شامل قتل نفس و کشتن غیر. چه بسا بتوان از ذیل آیه که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» استفاده کرد که منظور از این قتل نفسی که از آن نهی شده است، معنایی عمومی‌تر باشد به طوری که هم شامل کشتن غیر شود و هم شامل انتحار و هم شامل به خطر انداختن خویش گردد و خلاصه کاری کند که منجر به کشته شدن او شود، زیرا در ذیل آیه، نهی نام برده را به رحمت خدا تعلیل کرده و فرموده: این کار را مکنید زیرا خدا به شما مهربان است، و بر کسی پوشیده نیست که چنین تعلیلی با مطلق بودن معنا سازگارتر است. بنابراین تعلیل، آیه شریفه مورد بحث معنایی وسیع پیدا می‌کند و همین سازگاری مؤید آن است که بگوییم جمله «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» به تنهایی تعلیل است برای جمله «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ص ۵۰۶ و ۵۰۵).

در «تفسیر نمونه» در مورد ذیل آیه فوق اشاره آمده است: «ذیل آیه، مردم را از قتل نفس باز می‌دارد و ظاهر آن به قرینه جمله «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» یعنی: خداوند نسبت

به شما مهربان است، نهی از خودکشی و انتحار می‌باشد، یعنی خداوند مهربان نه تنها راضی نمی‌شود دیگری شما را به قتل برساند، بلکه به خود شما هم اجازه نمی‌دهد که با رضایت خود، خویشتن را به دست نابودی بسپارید، در روایات اهل بیت (علیه السلام) نیز آیه فوق به همین معنی «انتحار» تفسیر شده است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ص ۳۵۶). علاوه بر آیه فوق الذکر که به طور قطع مبین حرمت خودکشی می‌باشد، آیه دیگری از سوره اسراء نیز به نوعی دلالت بر حرمت خودکشی دارد. در این آیه خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (اسراء، ۳۳) یعنی: هرگز نفس محترمی را که خداوند آن را محترم داشته و قتلش را حرام کرده نکشید مگر آنکه به حق (مستحق کشتن باشد).

بر طبق عموم آیات فوق کسی مجاز نیست نفسی را که خداوند خون ریختنش را حرام کرده یا آن را محترم شمرده است، بکشد. نفس انسان نسبت به خودش نیز محترم بوده و از نظر خداوند دارای احترام شمرده می‌شود. در مجموع، براساس آیات قرآن کریم، خودکشی و انتحار حرام است.

#### ۴-۵. مفهوم خودزنی

خودزنی<sup>۱</sup> یا جرح خویشتن یا خود ویرانگری به عنوان صدمه عمدی یا تغییر بافت بدن بدون قصد خودکشی تعریف شده است. این اقدام، حاصل ناتوانی فرد در مداوای تکانه‌های پرخاشگری ناشی از میل ناخود آگاه برای تنبیه خود یا دیگری صورت می‌گیرد که درون فکنی شده است. خودزنی، که به نامهای متفاوت دیگری از جمله رفتار انتحاری، خودآزاری، اقدام به خشونت علیه خود یا پرخاشگری علیه خود نیز بر آن نهاده شده است به گروه، طبقه و یا قشر خاصی از جامعه مربوط نمی‌شود؛ با این حال این آسیب عمدتاً در میان افرادی که درگیر محیط‌های پر اضطراب و تنش می‌شوند از جمله کارکنان وظیفه برآتاب می‌تواند بیشتر از دیگران باشد (کلونسکی، ۲۰۰۷، ص ۲۳۶ - ۲۲۷).

ارتکاب خودزنی یا بروز رفتار جرح به خویشتن با یک یا تعداد بیشتری از این انتظارات همراه است:

- تسکین یافتن از احساسات منفی
- حل کردن مشکل میان فردی

ایجاد کردن حالت احساس مثبت (انجمن روانشناسی امریکا، ۱۳۹۴، ص ۱۲۰۰)

در تعریفی دیگر خود زنی، عملی غیر مرسوم با نتیجه‌ای غیر مرغبار است که فرد با این عمل، انتظار تحمیل آسیب بدنی را دارد و با هدف وقوع اجباری تغییرات مطلوب خود به آن مبادرت می‌ورزد. هم‌چنین انجمن روانشناسان امریکا صدمه عامدانه به خود را به تحمیل خودسرانه اقداماتی دردناک، مخرب و آسیب زنده به خود بدون قصد مرگ تعریف کرده‌اند (پالمر، ترجمه مرادیان و میرحسینی، ۱۳۹۰، ص ۳۷).

در انگلستان راهکار ملی و طرح عملی پیشگیری از خودکشی و خودزنی به نام "زندگی را انتخاب کن" این تعبیر را این گونه تعریف می‌کنند:

اقدامی که به قصد صدمه به خود است؛ اما به مرگ منتهی نمی‌شود. افرادی که آگاهانه به صدمه به خود اقدام می‌کنند، ممکن است قصد پایان دادن به زندگی خود را داشته باشند و گاه ممکن است این گونه نباشد (کمیته اجرایی اسکاتلند، ۲۰۰۲، ص ۱۲).

خودزنی در میان کارکنان وظیفه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: خودزنی منجر به قتل و خودزنی منجر به جرح؛ با این حال شکل رایج خودزنی در میان کارکنان وظیفه خودزنیهای منجر به جرح است که توسط سربازان مجرد و با تحصیلات متوسطه و عمدتاً در روز و سر پست و توسط اسلحه انجام می‌گیرد.

جراحت اغلب با چاقو، سوزن، تیغ یا اشیای دیگر وارد می‌شود. جرح خویشتن غیر خودکشی گرا اغلب در اوایل سالهای نوجوانی شروع می‌شود و می‌تواند چند سال ادامه یابد. این رفتار در ۲۰ تا ۲۹ سالگی به اوج خود می‌رسد (انجمن روانشناسی امریکا، ۱۳۹۴، ص ۱۲۰۱ و ۱۲۰۲).

## ۶. عوامل مؤثر در ارتکاب خودزنی (عوامل زمینه ساز و عوامل تسریع کننده)

در کنار آن دسته از عوامل ارتکاب خودزنی که ممکن است ریشه و علل روانی داشته باشد و احیاناً به صورت ناآگاهانه و ناخودآگاه صورت گیرد، در برخی موارد ارتکاب خودزنی به جهت تمارض و جلب توجه صورت می‌گیرد. به بیان دیگر اگرچه در برخی از موارد

خودزنی‌ها با قصد و نیت خودکشی صورت می‌گیرد ولی در اکثر موارد آسیب‌های جسمی که به صورت عمدی بر بدن وارد می‌شود برای رسیدن به یک آرامش یا منفعت کاذب صورت می‌گیرد. این منفعت کاذب می‌تواند در قالب ارتکاب به خودزنی به انگیزه دریافت کسر خدمت یا معافیت از خدمت یا با هدف تحت فشار گذاردن فرماندهان برای اخذ هر نوع امتیاز دیگر باشد.

به همین دلیل مقنن برای مقابله با ارتکاب به خودزنی که با هدف کسب امتیاز یا به جهت فرار از کار و انجام وظیفه صورت گرفته باشد به ترتیب زیر این عمل را ممنوع و جرم اعلام نموده است و ضمن تعیین مجازات کیفری، دریافت و اعطای هرگونه امتیازی که برابر مقررات نیروهای مسلح به افرادی که از سلامتی کامل برخوردار نیستند اعطا می‌شود مانند معافیت از رزم و امور رزمی، تقلیل ساعات خدمت، مرخصی استعلاجی و استراحت پزشکی، عدم اشتغال به مشاغل سخت، انتصاب به شغل دیگر، تغییر محل خدمت و... به افرادی که به انگیزه دریافت آن امتیاز مبادرت به خودزنی نموده‌اند را منتفی دانسته است. ماده (۵۱) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح (۱۳۸۲) مقرر نموده است: «هر نظامی که برای فرار از کار یا انجام وظیفه و یا ارباب و تهدید فرمانده یا رئیس و یا هر مافوق دیگر یا برای تحصیل معافیت از خدمت و یا انتقال به مناطق مناسب‌تر و یا کسب امتیازات دیگر عمداً به خود صدمه وارد آورد یا تهدید به خودزنی نماید یا به عدم توانائی جسمی یا روحی متعذر شود و بنا به گواهی پزشک نظامی یا پزشکان قانونی تمارض او ثابت گردد و یا در انجام وظایف نظامی بی‌علاقگی خود را در موارد متعدد ظاهر کند به نحوی که در تضعیف سایر نیروهای نظامی مؤثر باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به ترتیب زیر محکوم می‌گردد:

الف - هرگاه در مقابل دشمنان باشد چنانچه عمل وی موجب اخلال در نظام (بهم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد به مجازات محارب و در غیر این صورت به حبس از دو تا ده سال.

ب - هرگاه در زمان جنگ باشد و در مقابل دشمنان نباشد به حبس از یک تا پنج سال.

ج - در سایر موارد به استثناء مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود به حبس از سه ماه تا یک سال.

تبصره - مرتکبان جرائم مذکور در نتیجه اعمال فوق از هیچ امتیازی برخوردار نمی‌گردند و خدمت خود را مطابق مقررات انجام خواهند داد مگر آن که ادامه خدمت به هیچ وجه مقدر نباشد.

در خصوص بند «ج» ماده فوق که برخی موارد خودزنی را تخلف انضباطی دانسته است باید به سایر مقررات مراجعه نمود؛ به عنوان مثال به موجب ماده «۵» دستورالعمل اجرایی موضوع ماده (۱۳۰) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح؛ ایراد صدمه به خود (خودزنی)، تهدید به خودزنی، تمارض و بی‌علاقگی به خدمت در موارد ذیل، صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود:

- اعلام و اظهار ایراد صدمه به خود.
  - تهدید فرمانده به خودزنی در غیر از مناطق جنگی و عملیاتی و شرایط بحرانی و رزمایش‌های با آتش.
  - تسهیل شرایط، تعلیم و تحریک دیگران برای ایراد صدمه به خود یا تهدید به خودزنی.
  - تمارض برای عدم انجام امور غیر رزمی.
  - تهدید به خودزنی، تمارض در برابر فرمانده، رئیس یا مافوق خارج از سلسله مراتب.
  - تظاهر به بی‌علاقگی به خدمت در موارد متعدد در غیر از شرایط رزمی، جنگی و بحرانی.
  - ایراد صدمه جزیی به خود به گونه‌ای که وقفه‌ای در انجام وظایف روزانه وی ایجاد نشود.
- کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان در نظریه مشورتی شماره ۷/۳۴/۶۵۴ - ۸۴/۶/۵ در پاسخ به این سؤال که هزینه درمان سربازان وظیفه که اقدام به خودزنی می‌نمایند و در مظان اتهام قرار دارند، در زمان نقاوت با توجه به اینکه قرار یا حکمی از سوی مرجع قضایی صادر نشده است، به عهده چه کسی است؛ اعلام نموده که در فرض سؤال هزینه درمان به عهده شخصی است که اقدام به خودزنی نموده است نه یگان مربوط.

## ۷. مفهوم جرم شناختی پیشگیری و مؤلفه‌های آن

پیشگیری از وقوع انحراف و جرم که با پیدایش و تولد مکتب تحقیقی به گستره دانش جرم‌شناسی راه یافته است، در برگیرنده مجموعه‌ای از تدابیر و اقداماتی است که برای ممانعت و جلوگیری از تحقق و وقوع بزهکاری به کار گرفته می‌شود. تدابیر پیشگیرانه به طور

جدی نخستین بار از سوی انریکوفری<sup>۱</sup> که یکی از اندیشمندان مکتب تحقیقی است، مطرح شد. انریکوفری، سلسله تدابیر دفاع اجتماعی را که همزمان بتواند در برگیرنده بزهکار و محیط اجتماعی باشد، پیشنهاد کرد. در اندیشه فری محیط اجتماعی باید بگونه‌ای سازمان داده شود، که پیشگیری از وقوع جرم در آن لحاظ شده (پرادل، ۱۳۸۱، ص ۹۸ تا ۹۶). پیشگیری در مفهوم جرم‌شناسی خارج از گستره سیستم کیفی تحقق پیدا می‌کند و عبارت است از هرگونه اقدامی که جلوگیری از ارتکاب جرایم را مورد توجه قرار می‌دهد. به عبارت دیگر هرگونه اقدامی که با هدف کاهش میزان بزهکاری اعمال می‌شود، می‌تواند موضوع جرم‌شناسی پیشگیرانه را تشکیل دهد.

از منظر جرم‌شناسی پیشگیرانه<sup>۲</sup>، پاسخ‌های پیشگیرانه به پدیده مجرمانه «اقدام‌هایی است که جنبه کنشی داشته و با ماهیت غیرقهرآمیز یا در مقام سالم‌سازی جامعه یا برای رفع بحران‌های جرم‌زا و یا برای به هم زدن اوضاع و احوال ما قبل بزهکاری اتخاذ می‌شوند.» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۴، ص ۵۶۰).

بدین ترتیب پیشگیری مجموعه اقدام‌های غیرقهرآمیزی است که دارای ماهیت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، وضعی بوده و به منظور جامعه‌پذیر و قانونگرا کردن افراد و یا حفاظت از آماج جرم اعمال می‌شود.

با توجه به تعریفی که از جرم‌شناسی پیشگیرانه ارائه شد، اقدام‌های پیشگیرانه، پیش از وقوع جرم قابل تصور و اعمالند و بنا به تعریف پروفیسور گسن<sup>۳</sup>، جرم‌شناسی پیشگیرانه مجموعه تدابیر سیاست جنایی است که هدف انحصاری یا اصلی آنها، محدود کردن امکان وقوع مجموعه اعمال مجرمانه از طریق غیرممکن کردن، دشوارتر کردن یا کاهش احتمال آنهاست (همان، ص ۵۷۰).

پیشگیری از بزهکاری براساس الگوهای متفاوت به گونه‌های متعددی تقسیم می‌شود. وجود دیدگاه‌های گوناگون در رابطه با مفهوم پیشگیری سبب شده تا تعاریف و مفاهیم متنوعی از آن ارائه شود. برپایه همین تعاریف و مفاهیم می‌باشد که گونه‌شناسی پیشگیری از بزهکاری با طبقه‌بندی‌های متفاوتی مواجه شده است.

1. Enrique Ferry  
2. Criminology preventive  
3. Gessen

به همین جهت باید تدابیر پیشگیرانه اجتماعی و وضعی را بطور همزمان مورد توجه قرار داد به این ترتیب که از یک سو با اجرای تدابیر پیشگیری اجتماعی علیه علل و عوامل اولیه شکل گیری اندیشه و تفکر خودکشی و خودزنی کارکنان وظیفه مقابله شود و از سوی دیگر با اجرای تدابیر پیشگیری وضعی با علل و عوامل تسهیل کننده و تقویت کننده گذار از اندیشه مجرمانه به سوی فعلیت بخشیدن به آن مقابله و مبارزه می شود. از اینرو موضوع پیشگیری از خودکشی و خودزنی در میان کارکنان وظیفه نیز باید در همین دو قالب مورد بررسی قرار گیرد.

در واقع، جلوگیری از خودکشی و درمان شروع کنندگان به آن فقط در صورتی موفقیت آمیز خواهد بود که تمام علل و عوامل خودکشی اعم از علل فردی یا درونی (شامل عوامل روحی روانی و جسمی زیستی) و علل بیرونی یا خارجی (شامل عوامل محیطی اجتماعی) تحت بررسی قرار گرفته و این عوامل آنقدر تغییر داده شوند تا اینکه «تمایل به تخریب خود» در شخص تغییر شکل یابد (کی نیا، ۱۳۸۴، ص ۴۵۳-۴۵۴).

## ۸. ضمانت اجرای جنایت علیه نفس در نظام حقوقی اسلام

ضمانت اجرای ممنوعیت خودکشی در نظام حقوقی اسلام، برپایه های اصول و مبانی عقیدتی و اخلاقی استوار است، زیرا مؤمنان و کسانی که اعتقادات مذهبی کاملی دارند، می دانند که حاکمیت مطلق بر جهان و انسان در ید خداوند بوده و اوست که انسان را به سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است و انسان نمی تواند این حق خدادادی را از خود سلب کند. براساس مبانی فکری و عقیدتی اسلام، فرد مؤمن در زندگی اجتماعی و در برخورد با مسائل و مشکلات روزمره، هیچ گاه از لطف و مرحمت پروردگار ناامید نمی شود و همواره به تلاش و کوشش خود برای غلبه بر مشکلات ادامه می دهد (ولیدی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱).

فرد مؤمن همیشه به خداوند متعال توکل می کند: «و من یتوکل علی الله فهو حسبه» (طلاق، ۳) یعنی: هر کس بر خدا توکل کند، پس خداوند او را کفایت می کند. بر اساس آیات و روایات، اگر افرادی پیدا شوند که آگاهانه دست به خودکشی بزنند، از آنجایی که بر خلاف اوامر الهی، حیات خود را سلب کرده اند، بی ایمان از دنیا خواهند رفت.

به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که ضمانت اجرای خودکشی در شریعت اسلام امری اخلاقی، درونی و دینی است و همین امر باعث گردیده که در طول تاریخ، آمار خودکشی در بین مسلمانان نادر بوده و قابل مقایسه با آمار خودکشی سایر ملل نباشد (همان، ص ۱۴۲). اما به هر حال همواره عده‌ای از مسلمانان نیز یافت شده‌اند که عمل خودکشی را انجام داده‌اند. بنابراین دانستن حکم فقهی این قبیل خودکشی‌ها بسیار مهم است. به طور کلی از دیدگاه فقهی «جنایت بر خود» به دو نوع تقسیم می‌شود: ۱- جنایت بر خود به صورت عمد، ۲- جنایت بر خود به صورت غیر عمد.

### نوع اول: جنایت بر خود به صورت عمد

هرگاه کسی عمداً مرتکب قتل خود شود و به اصطلاح خودکشی کند، نه دیه بر وی تعلق می‌گیرد و نه کفاره و این مسئله مورد اتفاق همه فقهای شیعه است. اما از اهل سنت، «محمد بن ادریس شافعی» (متوفی ۲۰۴ ق) معتقد است که کفاره تعلق می‌گیرد و آن را از میراث (ترکه) فردی که خودکشی کرده می‌دهند. دلیل شیعه در این مورد، اصل برائت ذمه است، زیرا اشتغال ذمه به دلیل نیاز دارد (شیخ طوسی، خلاف، ج ۳، ص ۱۴۸). اگر گفته شود دلیل اشتغال، آیه شریفه «و من قتل مومناً خطأ فتحرير رقبه...» (نساء، ۹۲) یعنی: و هر کس مؤمنی را به صورت خطایی به قتل رساند پس باید برده‌ای را آزاد کند است چرا که اطلاق این آیه، قتل نفس خود را هم شامل می‌شود؛ در پاسخ گفته می‌شود: این اطلاق منصرف است به کشتن فرد دیگری و شامل خودکشی نمی‌گردد. پس انصراف مانع تمسک به اطلاق آیه است (گرگی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۷۹ - ۷۸).

### نوع دوم: جنایت بر خود به صورت غیر عمد

چنانچه جنایت بر خود به صورت خطا انجام پذیرد، مثلاً کسی از فراز درخت یا کوهی فرو افتد یا مواد منفجره در دستش منفجر شود و به سبب این قبیل حوادث، مقتول یا مجروح گردد، خونش به هدر رفته و «عاقله» یعنی بستگان ذکور نسبی پدری یا پدری و مادری مسئول دیه او نمی‌باشند. «ابوحنیفه نعمان بن ثابت» (متوفی ۱۵۰ ق) و یارانش و هم‌چنین «شافعی»، «ربیع»، «مالک بن انس» (متوفی ۱۷۹ ق) و «ثوری» همه بر همین عقیده‌اند. اما کسانی هم گفته‌اند که در این مورد، دیه بر عهده عاقله است و اگر کسی به



خطا دست خود را قطع کند، عاقله دیه دست او را به وی می‌دهند. هم‌چنین هرگاه به سبب سانحه‌ای، فردی خود را به هلاکت افکند، عاقله او دیه وی را به وارثانش می‌دهند و «اوزاعی»، و «احمد بن حنبل» (متوفی ۲۴۱ ق.) و «اسحاق» بر این عقیده‌اند. البته دلیل شیعه در این مورد بر عدم ضمان عاقله، اصل برائت ذمه است، زیرا برای مسئولیت عاقله در این مورد، دلیل معتبری وجود ندارد. مضافاً اینکه روایت شده است: عوف بن مالک اشجعی در یکی از جنگ‌ها، شمشیری را به سوی یک مشرک پرتاب کرد که به خطا، خود عوف را به قتل رساند. یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) از نماز خواندن بر جنازه وی امتناع ورزیدند و گفتند که جهاد عوف باطل است. چون پیغمبر از این ماجرا آگاهی یافت، فرمود: «عوف، مجاهد و شهید مرده است.» در این مورد، اگر دیه برعهده عاقله بود قطعاً پیامبر در موضع حاجت به بیان، سکوت نمی‌فرمود و حکم را صریحاً ذکر می‌کرد (شیخ طوسی، خلاف، ج ۳، ص ۱۴۳، مسئله ۱۰۷). البته علت امتناع یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) از خواندن نماز بر جنازه عوف بن مالک این بود که از نظر فقهی، شرکت در مراسم عزاداری کسی که خودکشی کرده است، اگر به منزله تأیید و تصدیق یا ترویج عمل او باشد جایز نیست، اما چنانچه تأیید و تصدیق یا ترویج خودکشی نباشد بدون اشکال می‌باشد. بنابراین بدون شک و با استناد به ادله مذکور در این قسمت ارتکاب خودکشی یا خودزنی از دیدگاه اسلام حرام بوده و حرمت آن از نظر کتاب، سنت و اجماع ثابت گشته و برای مرتکب آن کیفر اخروی وعده داده شده است. معاونت در خودکشی نیز از دیدگاه حقوق جزای اسلام «اعانت بر اثم» تلقی گشته و مرتکب آن مستوجب تعزیر می‌باشد.

## ۹. روش شناسی پژوهش

با توجه به اینکه در این پژوهش از یک سو نظریات و یافته‌های جرم‌شناختی در تحلیل عوامل مؤثر بر خودزنی مورد بررسی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر نتایج این تحقیق مبنای برنامه‌ریزی و سیاستگذاری درون سازمانی به منظور کنترل و پیشگیری از بروز خودزنی است، این تحقیق از نظر هدف پژوهش کاربردی به شمار می‌رود. هم‌چنین با توجه به اهداف و سؤالات این تحقیق، روش آن «توصیفی - پیمایشی» است.

در بخش توصیفی این پژوهش اطلاعات مورد نیاز از منابع علمی شامل کتابها و مقالات علمی، پژوهشهای علمی و منابع اینترنتی مرتبط با موضوع تحقیق استفاده شده و در بخش پیمایشی با مصاحبه و تهیه و تکمیل پرسشنامه، اطلاعات مورد نیاز از جامعه نمونه تحقیق به دست آمده است. در واقع بر اساس یافته‌های ادبیات نظری پژوهش و همچنین بر اساس نتایج مصاحبه و کسب نظر نخبگان سازمان سعی شد برخی عوامل مربوط به علت وقوع خودزنی کارکنان وظیفه مورد شناسایی قرار گیرد و در نهایت پرسشنامه محقق ساخته با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) تهیه و تنظیم شد. در نهایت این پرسشنامه‌ها به منظور یافتن گویه‌های مناسبی که بتوان متغیرهای مورد نظر را مورد ارزیابی و سنجش قرار داد، بین جامعه آماری توزیع شد و بر اساس پاسخها، تعدادی از گویه‌ها مورد اصلاح قرار گرفت. پرسشنامه در سه محور عوامل درون سازمانی و برون سازمانی مؤثر بر خودکشی و محور سوم در خصوص عوامل مؤثر بر خود زنی تدوین گردید.

همچنین به منظور بررسی روایی پرسشنامه‌های مورد استفاده از روایی سازه و با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی<sup>۱</sup> و تحلیل عامل تأییدی<sup>۲</sup> بهره برده، و در نهایت با هدف بررسی میزان اعتمادپذیری از همسانی درونی داده‌ها استفاده، و میزان آلفای کرونباخ گزارش شده است. میزان الفا برابر ۸۶ صدم می‌باشد.

جامعه آماری تحقیق شامل کارشناسان و نخبگان ناجا در موضوع تحقیق بوده که در سطح ناجا تعداد ۵۰۰ نفر برآورد گردید که حجم نمونه مورد نیاز بر اساس فرمول کوکران ۲۱۴ نفر بود که بصورت تصادفی انتخاب گردید.

### ۱۰. ویژگیهای جمعیت شناختی

از نظر درجه کمتر از ۱۰ درصد، سروان، ۱۵/۸ درصد سرگرد، ۱۸/۸ درصد (سرهنگ دو) و ۵۵/۹ درصد سرهنگ بوده‌اند. چنانچه ملاحظه می‌گردد بیشترین فراوانی پاسخ دهندگان از میان افراد با درجه سرهنگ بوده است که این امر با عنایت به تجارب و اندوخته‌های این افراد میزان اعتماد پذیری نتایج این تحقیق را دو چندان می‌نماید.

1. Exploratory factor analysis

2. confirmatory factor analysis

از نظر میزان تحصیلات مشارکت کنندگان، تحصیلات بیش از نیمی (۶۰ درصد) از پاسخ‌دهندگان کارشناسی، ۲۸ درصد (۵۶ نفر) کارشناسی ارشد و تنها ۱۲ درصد (۲۴ نفر) دارای مدرک کاردانی بوده‌اند. مقایسه این آمار نیز بیانگر آن است که سطح علمی مشارکت کنندگان نیز با توجه به مجموع دارندگان مدرک کارشناسی ارشد و کارشناسی به میزان ۸۸ درصد، از میزان قابل قبول و متناسبی برخوردار می‌باشد.

از نظر سابقه خدمتی بیش از ۴۳ درصد بیش از ۲۵ سال سابقه خدمتی داشته‌اند که به اعتبار نتایج پژوهش افزوده است، این در حالی است که فرماندهانی که بین ۲۱ تا ۲۵ سال سابقه داشته‌اند با فراوانی ۲۴/۶ درصد در رده دوم قرار دارند.

## ۱۱. یافته‌های پژوهش

### ۱۱-۱. تعیین تعداد عوامل بر اساس تحلیل عامل اکتشافی

در ابتدا ضمن شناسایی و طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر وقوع پدیده خوردگی در میان کارکنان وظیفه به ارزیابی تأثیر این عوامل بر این پدیده پرداخته می‌شود:

با توجه به تنوع و تشتت گویه‌هایی که امکان زمینه‌سازی و تأثیرگذاری بر وقوع و بروز خوردگی را دارد در ابتدا لازم است با استفاده از روش تحلیل عامل اکتشافی، این گویه‌های گوناگون را در عامل‌های مشخص و معینی مورد شناسایی قرار داد.

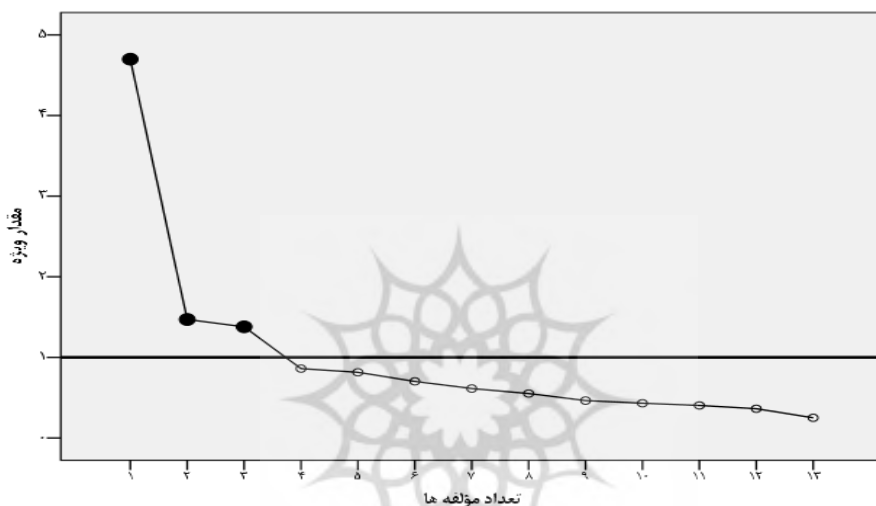
### • آزمون کرویت بارتلت و آماره KMO و نمودار سنگریزه کتل به منظور تعیین تعداد عوامل

به منظور تعیین تعداد عوامل مؤثر بر بروز خوردگی و نامگذاری هر یک از این عوامل در این قسمت از دو روش آزمون کرویت بارتلت و نمودار سنگریزه کتل استفاده شده است. در واقع با این روش مشخص می‌شود که با توجه به همبستگی میان برخی از گویه‌ها کدام یک از آنها را می‌توان در یک عامل مشترک مورد طبقه بندی قرار داد؛ به همین منظور از آزمون کرویت بارتلت و آماره KMO به عنوان مفروضات تحلیل عامل اکتشافی و همچنین از نمودار سنگریزه کتل استفاده می‌شود. در جدول (۱) نتایج تحلیل آزمون کرویت بارتلت و آماره KMO نشان داده شده است.

جدول (۱): آزمون کرویت بارتل و آماره KMO پرسشنامه عوامل مؤثر در بروز خودزنی

آماره KMO	آماره کرویت بارتل
۰/۸۳۳	۸۷۲/۹ (df = ۷۸ = ۰/۰۱)

آزمون کرویت بارتل با درجه آزادی ۷۸ و میزان ۸۷۲/۹ در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار، و نیز آماره KMO در سطح مطلوب (۰/۸۳۳) گزارش شده است. برای تعیین تعداد عوامل مؤثر در بروز خودزنی نیز از نمودار سنگریزه کتل استفاده شد.



نمودار (۱): نمودار سنگریزه کتل برای تعیین تعداد عوامل مؤثر در بروز خودزنی

با توجه به نمودار (۱) سه عامل دارای مقدار ویژه بیشتر از یک است. این نمودار گویای این است که باید عوامل برون سازمانی و درون سازمانی مؤثر بر خودزنی را به سه دسته تقسیم کرد.

- نامگذاری و انتخاب عنوان برای سه عامل شناسایی شده درون و برون سازمانی مؤثر بر خودزنی

بر اساس آزمون کرویت بارتل و آماره KMO گویه‌های مورد بررسی در سه عامل مورد شناسایی قرار گرفت. حال لازم است با توجه به اینکه گویه‌هایی که در هر یک از عوامل سه گانه قرار می‌گیرد در یک ویژگی برجسته قابل جمع است برای این عوامل، نام و عنوان متناسب با گویه‌های مربوط با آن عامل انتخاب گردد؛ به همین دلیل در ادامه به

منظور استخراج عوامل از روش عوامل اصلی (PC) و به منظور ساده‌سازی ساختار عاملی از چرخش پروماکس چرخا، که عاملها با یکدیگر همبستگی دارد، استفاده شده است. در جدول (۲) بارهای عاملی هر گویه پس از چرخش ارائه شده است. بر اساس نتایج جدول می‌توان عوامل سه‌گانه‌ای را در این زمینه به رسمیت شناخت که به ترتیب عبارت است از: عامل ارتباطات میان فردی، عامل ویژگی فردی عرضی و عامل ویژگی فردی ذاتی می‌باشد.

جدول (۲): بارهای عاملی عوامل مؤثر در بروز خودزنی با چرخش

عوامل	شماره	گویه	عامل یکم	عامل دوم	عامل سوم
ارتباطات میان فردی	۱۱-۳۳	وجود دوگانگی در رفتار و گفتار فرماندهان و مسئولان با کارکنان	۰.۸۵۰		
	۹-۳۳	سختگیری و ایجاد فشارهای روحی و جسمی غیرمنطقی همراه با تحقیر و تبعیض	۰.۸۴۹		
	۱۵-۳۳	اوضاع نامساعد حاکم بر محیط خدمتی (سختی و دشواری خارج از توان، احساس ناامنی، احساس حقارت، تنبیه خارج از مقررات انضباطی ناحق و مغرضانه، اضافه خدمت بی‌مورد)	۰.۷۰۲		
	۱۲-۳۳	ایجاد رابطه با افراد نایاب و غیر متعارف و سست اراده در محیط خدمتی	۰.۶۲۳		
	۱۳-۳۳	ضعف آموزش در کار درست با اسلحه	۰.۵۳۹		
ویژگیهای فردی عرضی	۵-۳۳	فرار و طفره رفتن از خدمت سربازی یا اجرای وظایف	۰.۸۶۵		
	۶-۳۳	تحت تأثیر قرار دادن فرماندهان برای کسب هر نوع امتیاز مانند معافیت یا کسر خدمت	۰.۷۹۸		
	۷-۳۳	گریز موقت از مشکلات	۰.۷۰۵		
	۴-۳۳	آگاه نبودن از نتیجه تعقیب و مجازاتهای انضباطی و کیفری	۰.۶۵۸		
	۸-۳۳	موفق نشدن در گرفتن معافیت از خدمت سربازی	۰.۵۸۷		
ویژگیهای فردی ذاتی	۱-۳۳	ضعف باورهای دینی و اخلاقی		۰.۸۳۰	
	۲-۳۳	مشکلات عاطفی و عقده‌های روحی و روانی		۰.۷۹۵	
	۳-۳۳	مشکلات اقتصادی و معیشتی		۰.۵۷۵	

همان گونه که ملاحظه می‌شود می‌توان عوامل سه‌گانه شناسایی شده را با توجه به مفهوم گویه‌هایی که با یک عامل مشترک همبستگی بیشتری دارد، نامهای مشخصی را برای هر یک از عوامل در نظر گرفت. این نامگذاریها به ترتیب زیر است:

ارتباطات میان فردی برای عامل یکم: در این طبقه گویه‌هایی قرار می‌گیرد که ناظر بر عملکردها و تعاملات رفتاری فرماندهان با کارکنان وظیفه است. این موارد به عنوان عوامل درون سازمانی می‌تواند در به فعلیت رساندن و تسریع اقدام به خودزنی مؤثر واقع شود. برخی از این گویه‌ها عبارت است از: وجود دوگانگی در رفتار و گفتار فرماندهان و مسئولان با کارکنان، سختگیری و ایجاد فشارهای روحی و جسمی غیرمنطقی همراه با تحقیر و تبعیض، اوضاع نامساعد حاکم بر محیط خدمتی (سختی و دشواری خارج از توان، احساس ناامنی، احساس حقارت، تنبیه خارج از مقررات انضباطی ناحق و مغرضانه، اضافه خدمت بی‌مورد).

**ویژگیهای فردی عرضی برای عامل دوم:** منظور از ویژگیهای فردی عرضی این است که این ویژگیها با توجه به قرار گرفتن فرد در یک موقعیت زمانی و مکانی خاص یعنی مثلاً محیط خدمتی بر فرد عارض شده است. در واقع این گویه‌ها به نوعی در دسته عوامل درون سازمانی قابل طبقه‌بندی است. برخی از این ویژگیها عبارت است از: تحت تأثیر قرار دادن فرماندهان برای کسب هر نوع امتیاز مانند معافیت یا کسر خدمت، گریز موقت از مشکلات، آگاه نبودن از نتیجه تعقیب و مجازاتهای انضباطی و کیفی، موفق نشدن در گرفتن معافیت از خدمت سربازی.

**ویژگیهای فردی ذاتی برای عامل سوم:** گویه‌هایی که در این عامل قرار می‌گیرد به ویژگیها و اوصاف اخلاقی شخص مربوط است که بر خلاف اوصاف عرضی، که مقطعی و گذرا است، عمدتاً در درون فرد پایدار و نهادینه شده است؛ لذا به این دسته از اوصاف، ویژگیهای فردی ذاتی اطلاق شده است. از اینرو این عوامل را باید در قلمرو عوامل برون‌سازمانی مورد توجه قرار داد. برخی از این موارد عبارت است از: ضعف باورهای دینی و اخلاقی، مشکلات عاطفی و عقده‌های روحی و روانی، مشکلات اقتصادی و معیشتی.

## ۲-۱۱. ارزیابی تأثیر عوامل با استفاده از تحلیل عامل تأییدی

پس از تحلیل عامل اکتشافی به منظور فرض‌آزمایی تأیید عوامل استخراج شده از تحلیل عامل تأییدی استفاده شده در جدول زیر بارهای عاملی هر گویه، ضریب تعیین و میزان آماره تی با هدف بررسی معناداری بار عاملی ارائه شده است. این توضیح ضروری است که ضریب تعیین حاکی از واریانس تبیین شده برای هر گویه توسط عامل مکنون

و مقدار آن جذر بارعاملی است. علاوه بر این در تحلیل عامل تأییدی به منظور بررسی معناداری ضرایب (بارهای عاملی) از آماره تی استفاده می‌شود که به صورت کلی اگر از دو بیشتر باشد، می‌توان ادعا کرد که این ضریب معنادار، و عامل مکنون سبب بروز و ظهور گویه قابل مشاهده شده است.

جدول (۳): بارهای عاملی، ضریب تعیین و آماره t عوامل مؤثر در بروز خودزنی

عوامل	شماره	گویه	بار عاملی	ضریب تعیین	آماره t**
ارتباطات میان فردی	۳۳_۱۱	وجود دوگانگی در رفتار و گفتار فرماندهان و مسئولان با کارکنان	0.72	0.51	11.40
	۳۳_۹	سختگیری و ایجاد فشارهای روحی و جسمی غیرمنطقی همراه با تحقیر و تبعیض	0.90	0.81	14.81
	۳۳_۱۵	اوضاع نامساعد حاکم بر محیط خدمتی (سختی و دشواری خارج از توان، احساس نامنی، احساس حقارت، تنبیه خارج از مقررات انضباطی ناهق و مغرضانه، اضافه خدمت بی‌مورد)	0.70	0.49	10.65
	۳۳_۱۲	ایجاد رابطه با افراد ناباب و غیرمترعارف و سست اراده در محیط خدمتی	0.83	0.69	11.87
	۳۳_۱۳	ضعف آموزش در کاردرست با اسلحه	0.48	0.23	7.14
ویژگیهای فردی عرضی	۳۳_۵	فرار و طفره رفتن از خدمت سربازی یا ادای وظایف	0.86	0.73	14.05
	۳۳_۶	تحت تأثیر قرار دادن فرماندهان برای کسب هر نوع امتیاز مانند معافیت یا کسر خدمت	0.81	0.65	13.40
	۳۳_۷	گریز موقت از مشکلات	0.71	0.51	11.29
	۳۳_۴	آگاه نبودن از نتیجه تعقیب و مجازاتهای انضباطی و کیفی	0.54	0.29	7.97
	۳۳_۸	موفق نشدن در گرفتن معافیت از خدمت سربازی	0.77	0.59	11.81
فردی ذاتی و ویژگیهای	۳۳_۱	ضعف باورهای دینی و اخلاقی	0.68	0.47	9.51
	۳۳_۲	مشکلات عاطفی و عقده‌های روحی و روانی	0.85	0.72	11.93
	۳۳_۳	مشکلات اقتصادی و معیشتی	0.53	0.28	7.20

$P < 0.01^{**}$

بر اساس نتایج جدول (۳) میزان آماره تی گویه‌ها مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به اینکه میزان آن از دو بیشتر است، این امر حاکی از معنا داری هر یک از گویه‌ها است.

### ۳-۱۱. میزان اعتماد پذیری عوامل

پس از تأیید عوامل، میزان اعتماد‌پذیری هر عامل نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شده که در جدول ذیل ارائه شده است:

جدول (۴): میزان اعتمادپذیری عوامل مؤثر در بروز خودزنی بر اساس مقدار آلفای کرونباخ

عوامل	ارتباطات میان فردی	ویژگیهای فردی عرضی	ویژگیهای فردی ذاتی	کل پرسشنامه
آلفای کرونباخ	۰/۷۸۹	۰/۸۰۴	۰/۶۶۲	۰/۸۶۳

با توجه به میزان مطلوب گزارش شده برای آلفای کرونباخ، که بین ۰/۷۰۶ تا ۰/۸۱۷ است، حاکی است که همگونی درونی داده‌ها در حد عالی است به طوری که این میزان برای کل پرسشنامه ۰/۸۶۱ گزارش شده است.

۴-۱۱. میانگین تأثیرگذاری هر یک از عوامل شناسایی شده بر بروز خودزنی

پس از شناسایی سه عامل ارتباطات میان فردی، ویژگیهای فردی عرضی و ویژگیهای فردی ذاتی در ادامه میانگین‌های هر عامل به عنوان میزان اهمیت آنها از نظر فرماندهان ارائه شده است.

جدول (۵): میانگین و انحراف استاندارد عوامل مؤثر در بروز خودزنی

عوامل	میانگین	انحراف استاندارد
ارتباطات میان فردی	2.52	0.68
ویژگیهای فردی عرضی	2.39	0.63
ویژگیهای فردی ذاتی	1.89	0.62

با توجه به میانگین‌های گزارش شده می‌توان ادعان کرد که ارتباطات میان فردی فرماندهان با کارکنان وظیفه همچون وجود دوگانگی در رفتار و گفتار فرماندهان و مسئولان با کارکنان، سختگیری و ایجاد فشارهای روحی و جسمی غیرمنطقی همراه با تحقیر و تبعیض، اوضاع نامساعد حاکم بر محیط خدمتی (سختی و دشواری خارج از توان، احساس ناامنی، احساس حقارت، تنبیه خارج از مقررات انضباطی ناحق و مغرضانه، اضافه خدمت بی‌مورد) با میانگین ۲/۵۲ بیشترین تأثیر را در بروز خودزنی و کمترین تأثیر مربوط به ویژگیهای فردی ذاتی همچون ضعف باورهای دینی و اخلاقی، مشکلات عاطفی و عقده‌های روحی و روانی، مشکلات اقتصادی و معیشتی با میانگین ۱/۸۹ گزارش شده است.



• اثرگذارترین گویه‌ها در عامل ارتباطات میان فردی به ترتیب بیشترین میزان اثرگذاری

در ادامه لازم است به بررسی و ارزیابی دقیقتر هر یک از گویه‌های ارتباطات میان فردی پرداخته شود. ارزیابی میزان تأثیر هر یک از گویه‌ها می‌تواند در تعیین اولویت راهکارهای کنترلی نقش مهمی را ایفا کند.

جدول (۶): ارزیابی تأثیر گویه‌های مهمترین عامل (ارتباطات میان فردی) مؤثر در خودزنی

کارکنان وظیفه

شماره	گویه	بار عاملی	ضریب تعیین	آماره t**
۹-۳۳	سختگیری و ایجاد فشارهای روحی و جسمی غیرمنطقی همراه با تحقیر و تبعیض	0.90	0.81	14.81
۱۲-۳۳	ایجاد رابطه با افراد ناباب و غیرمترعارف و سست اراده در محیط خدمتی	0.83	0.69	11.87
۱۱-۳۳	وجود دوگانگی در رفتار و گفتار فرماندهان و مسئولان با کارکنان	0.72	0.51	11.40
۱۵-۳۳	اوضاع نامساعد حاکم بر محیط خدمتی (سختی و دشواری خارج از توان، احساس ناامنی، احساس حقارت، تنبیه خارج از مقررات انضباطی ناحق و مغرضانه، اضافه خدمت بی‌مورد)	0.70	0.49	10.65
۱۳-۳۳	ضعف آموزش در کاردرست با اسلحه	0.48	0.23	7.14

بر اساس نتایج پژوهش و مطابق با یافته‌های جدول (۶)، میزان تأثیر هر یک از گویه‌های عامل ارتباطات میان فردی در بروز خودزنی میان کارکنان وظیفه در یک سطح برابر نیست؛ بلکه تأثیر برخی از آنها بیش از دیگران است. مطابق جدول از میان گویه‌های نقش ارتباطات میان فردی، که در مجموع سایر عوامل تأثیر بیشتری بر بروز خودزنی دارد، گویه "سختگیری و ایجاد فشارهای روحی و جسمی غیرمنطقی همراه با تحقیر و تبعیض" با بارعاملی 0.90 بیشترین تأثیر را بر وقوع خودزنی دارد. گویه "ایجاد رابطه با افراد ناباب و غیرمترعارف و سست اراده در محیط خدمتی" با بار عاملی 0.83 از نظر اثر گذاری در بروز خودزنی در رتبه دوم قرار دارد. بر اساس نظر پاسخ دهندگان، گویه "وجود دوگانگی در رفتار و گفتار فرماندهان و مسئولان با کارکنان" با بار عاملی 0.72 در رتبه سوم اثر گذاری قرار دارد. هم‌چنین گویه "اوضاع نامساعد حاکم بر محیط خدمتی (سختی و دشواری

خارج از توان، احساس ناامنی، احساس حقارت، تنبیه خارج از مقررات انضباطی ناحق و مغرضانه، اضافه خدمت بی‌مورد)“ با بار عاملی 0.70 در رتبه چهارم اثرگذاری قرار دارد.

## ۱۲. نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این تحقیق به طور کلی می‌توان بر اساس نظریه‌های جرم‌شناختی پویایی عمل مجرمانه و علت‌شناسی جنایی، سه عامل ارتباطات میان فردی (درون سازمانی)، که بر نظریه پویایی عمل مجرمانه مبتنی است و عامل ویژگی‌های فردی عرضی و عامل ویژگی‌های فردی ذاتی (برون سازمانی) را، که بر نظریه علت‌شناسی جنایی مبتنی است، مؤثر بر خودزنی سربازان دانست. از میان این عوامل عامل ارتباطات میان فردی بیشترین تأثیر را در بروز خودزنی سربازان نشان می‌دهد. هم‌چنین مشخص شد که در میان متغیرهای ارتباطات میان فردی تأثیرگذاری برخی بیشتر از سایر متغیرها است به این ترتیب که:

از میان متغیرهای نقش ارتباطات میان فردی، که در مجموع سایر عوامل بر بروز خودزنی تأثیر بیشتری دارد، متغیر “سختگیری و ایجاد فشارهای روحی و جسمی غیرمنطقی همراه با تحقیر و تبعیض” با بار عاملی 0.90 بیشترین تأثیر را بر وقوع خودزنی دارد. متغیر “ایجاد رابطه با افراد ناباب و غیرمعارف و سست اراده در محیط خدمتی” با بار عاملی 0.83 از نظر اثرگذاری در بروز خودزنی در رتبه دوم قرار دارد. بر اساس نتایج این تحقیق متغیر “وجود دوگانگی در رفتار و گفتار فرماندهان و مسئولان با کارکنان” با بار عاملی 0.72 در رتبه سوم اثرگذاری قرار دارد.

هم‌چنین نتایج این پژوهش در زمینه نسبت سنجی تأثیر عوامل درون سازمانی و برون سازمانی بر وقوع خودزنی سربازان نشان می‌دهد عوامل درون سازمانی همچون ارتباطات میان فردی فرماندهان با کارکنان و وظیفه با میانگین ۲/۵۲ به عنوان عوامل آسان‌کننده و تسریع‌کننده در مقایسه با عوامل برون سازمانی همچون ویژگی‌های فردی ذاتی به عنوان عوامل زمینه‌ساز با میانگین ۱/۸۹ تأثیر بیشتری را بر بروز خودزنی در میان کارکنان وظیفه دارد.

### ۱۳. پیشنهادها

بر اساس یافته‌های این پژوهش مبنی بر تأثیر بیشتر عوامل درون سازمانی در مقایسه با عوامل برون سازمانی بر خودزنی، اتخاذ تدابیر پیشگیری وضعی، که راهبرد مورد پیشنهاد نظریه پویایی عمل مجرمانه است، اقدامات ذیل به منظور کاهش و کنترل موارد خودزنی ضروری است:

- اجرای آموزشهای لازم و نظارت دقیق بر رفتار سربازان بویژه آموزشهای مربوط به چگونگی به کارگیری سلاح

- برگزاری و کیفی سازی کلاسهای عقیدتی در راستای ارتقای باورهای اعتقادی و دانش دینی نیروهای وظیفه

- ایجاد پایگاه‌های مشاوره و روانشناسی در مراکز آموزشی با هدف رسیدگی به مشکلات روحی و روانی کارکنان و ارتقای سطح آگاهی فرماندهان با اصول روانشناسی

- تلاش به منظور برقراری ارتباط عاطفی و دلسوزانه با سربازان به منظور آگاهی از مشکلات آنها و ارائه مشورت‌های لازم به آنها

- توجه و اهتمام فرماندهان و مدیران نسبت به وضعیت روحی و روانی سربازان و پرهیز از تحقیر و تمسخر سربازان بویژه در میان سایر هم خدمتی‌ها

- جلوگیری و پرهیز از اعمال خشونت و تنبیه شدید بدون در نظر گرفتن ابعاد شخصیتی افراد

- پیش بینی قوانین بازدارنده در زمینه تشدید ضمانت اجرای برخورد با فرماندهان و مدیرانی که عملکرد آنها موجبات آسان سازی و تسریع ارتکاب خودزنی و خودکشی را فراهم آورده است.

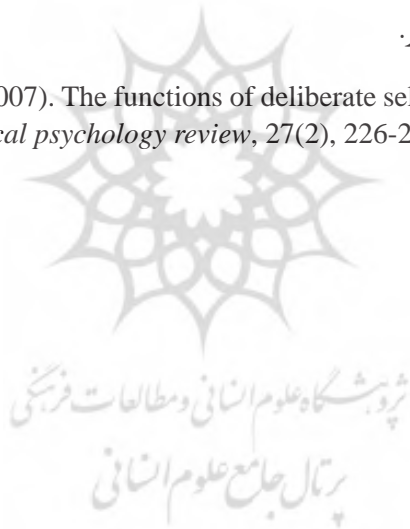
- برقراری ارتباط آسان توسط کارکنان به منظور انعکاس نارضایتیها از طریق ملاقات حضوری، صندوق شکایات، جلسات پرسش و پاسخ و ...

## فهرست منابع

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۱). جرم شناسی پیشگیری، ج اول، چ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۹). حقوق جزای عمومی، ج اول، تهران: انتشارات میزان.
- انجمن روانشناسی آمریکا (۱۳۹۴). راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، ترجمه سید یحیی سید محمدی، ویراست پنجم، تهران: انتشارات روان، چ چهارم.
- پرادل، ژان (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: انتشارات سمت.
- پالمر، استفان (۱۳۹۰). روانشناسی خودکشی، ترجمه بهرام مرادیان و زینب میرحسینی، تهران: انتشارات آوای نور.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳). المیزان فی تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، ج چهارم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسین (۱۴۰۷ق). الخلاف، ج سوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- فرامرزیان، ندا (۱۳۸۲). بی توجهی به جرم شناسی، روزنامه ایران، ش ۲۶۲۲.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). فلسفه حقوق، ج اول، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- کمیته اجرایی اسکاتلند، ۲۰۰۲، ص ۱۲ و ص ۱۰۹.
- کی نیا، مهدی (۱۳۸۴). مبانی جرم شناسی، چ هفتم، دوره ۳ جلدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گرجی، ابوالقاسم و دیگران (۱۳۸۲). دیات، ج اول، چ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷). نظریه سیاسی اسلام: قانونگذاری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از محققان (۱۳۷۵). تفسیر نمونه، ج سوم، چ بیست و چهارم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۷۴). تقریرات درس جامعه شناسی جنایی، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهیه و تنظیم: رزیتا دارویی، نیمسال اول تحصیلی ۱۳۷۴-۷۵.
- نوربها، رضا (۱۳۸۶). زمینه جرم‌شناسی، چ سوم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- وایت، راب و هینز، فیونا (۱۳۸۵). جرم و جرم شناسی، ترجمه علی سلیمی، چ دوم، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۰). حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اشخاص، چ ششم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

Klonsky, E. D. (2007). The functions of deliberate self-injury: A review of the evidence. *Clinical psychology review*, 27(2), 226-239.





پروفیسر شہناز گل خان  
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ